

# مهارت‌آموزی مؤثر؛ حلقه مفقود اشتغال امروز

افزایش بیکاری در میان دانش آموختگان نشان می‌دهد بدون تحول در آموزش مهارتی، فرصت‌های شغلی جدید از دست می‌رود و اقتصاد کشور از مسیر رقابت‌پذیری جهانی بیش از پیش عقب می‌ماند



«با هم بسازیم؛ نسل نو کار نو» شعار محوری رویداد هفته جهانی کارآفرینی ۱۴۰۴ بر اساس ضرورت توجه به مهارت‌های نوین و مهارت‌آموزی کاربردی و منطبق با نیازمندی‌های جدید بازار کار که با سرعتی باورنکردنی در حال فاصله گرفتن از بافتار و شاکله سنتی خود است، تدوین شده است. نسل نوبی که وارد بازار کار نو می‌شود، نیاز به «آموزش مهارتی» دارد، آموزشی که موجب شود این نسل از همتایان خود در کشورهای مترقی جهان عقب نماند و بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد.

۲۷ آبان، هم‌زمان با برگزاری رویداد هفته جهانی کارآفرینی ۱۴۰۴، نخبگان مهارتی پنج رشته باقی‌مانده از بیست‌ودومین مسابقات ملی مهارت، هم‌زمان با برگزاری رویداد هفته جهانی کارآفرینی ۱۴۰۴ با حضور معاون رئیس‌جمهور و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجلیل شدند. در این مراسم، از برگزیدگان پنج رشته‌ای که به علت ضرورت بررسی دقیق‌تر جزئیات داوری، در مراسم اختتامیه مسابقات موفق به دریافت مدال‌های خود نشده بودند، تجلیل شدند. رشته‌های مورد تقدیر شامل جواهرسازی، رباتیک تیمی دونفره، سازه‌های چوبی، فناوری طراحی صنعتی و نقاشی خودرو است. پیش از آن، در یازدهم آبان امسال، مسابقات ملی مهارت برای نخستین‌بار به صورت متمرکز به همت شرکت ایده تجارت هرمس در شهر اصفهان برگزار شد؛ رویدادی که به ادعای برگزارکنندگان آن در اصفهان، با حضور بیش از ۲ هزار شرکت‌کننده، کارشناسان و داوران، رکوردهای تازه‌ای در ابعاد اجرایی، تدارکاتی و فرهنگی بر جای گذاشت.

## ویژگی‌های مسابقات ملی مهارت

گستره مهارت‌های مورد آزمون در مسابقات ملی مهارت در سال‌های اخیر بسیار گسترده‌تر از قبل شده است؛ از یک سوم مهارت‌های سنتی ویدی هستند که همچنان در

بازار کار ایران حضور دارند و از سوی دیگر، مهارت‌هایی به آزمون گذاشته می‌شوند که متعلق به دنیای مشاغل نوظهور و عصر دیجیتال هستند، مهارت‌هایی که به نوعی در بازار کار ایران جدیدالورود محسوب می‌شوند و جوانان نسل جدید حتی نسل Z پیشتان‌ازان اصلی این عرصه هستند.

در مسابقات ملی مهارت یازدهم آبان اصفهان، محمد مهدی اسدی مدیرعامل شرکت ایده تجارت هرمس و مسئول برگزاری این رویداد، توضیح داد این مسابقات هر سال در چند مرحله برگزار می‌شود و مسیر رشد و پیشرفت مهارت‌آموزان را از سطح شهرستان تا صحنه جهانی ترسیم می‌کند.

به گفته اسدی، مرحله اول مسابقات در سطح شهرستان‌ها برگزار می‌شود و شامل ۴۰ رشته متنوع است که از مهارت‌های فنی ویدی مانند پیرایشگری و فناوری نگهداری هواپیما تا حوزه‌های دیجیتال مانند شبکه، گرافیک و نرم‌افزارهای موبایل را در بر می‌گیرد. پس از مرحله شهرستان، برگزیدگان وارد مرحله استانی شده و سپس به رقابت‌های کشوری راه پیدا می‌کنند. منتخبان کشوری نیز فرصت حضور در مسابقات آسیایی و جهانی را پیدا می‌کنند.

از سال ۱۳۵۰ تا کنون، ایران به عنوان عضوی فعال در شبکه جهانی مهارت‌ها (اسکیل ورد) به توسعه و ترویج مهارت‌های فنی و حرفه‌ای پرداخته است و توسعه پارک‌های علم و فناوری در استان‌های مختلف که بیشتر میزبان مهارت‌های جدید فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند، به عنوان یک بستر یا زیرساخت اجرایی برای توسعه مهارت‌های جدید و اشتغال «نخبگان مهارتی» عمل می‌کنند.

برای نمونه، بعد از برگزاری مسابقات ملی مهارت امسال، «جواد صفایی» رئیس پارک علم و فناوری خراسان، در جمع نخبگان استانی گفت: «پارک علم و فناوری خراسان آمادگی کامل را دارد تا نخبگان مهارتی در

قالب هسته‌های نوآور و فنوار جذب کند و زمینه توسعه مهارت‌های آنان را فراهم سازد.»

رئیس پارک علم و فناوری خراسان از در نظر گرفتن امتیازات ویژه برای مدال‌آوران بیست و دومین دوره مسابقات ملی مهارت خبر داد و افزود: «در شرایطی که با وفور فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مواجهیم،

مهارت‌آموزی کلید حل بسیاری از چالش‌های اشتغال است.»

صفایی با اشاره به تحولات آینده آموزش به نکته بسیار مهمی اشاره کرد؛ اینکه دوره‌های دانشگاهی سنتی دیگر برای ورود به بازار کار در دنیای امروز کافی نیستند و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها هم اگر مهارت‌های به‌روز و منطبق با نیازهای بازار کار نداشته باشند، در پیدا کردن فرصت‌های شغلی مناسب به مشکل برمی‌خورند. او در این رابطه گفت: با رشد هوش مصنوعی، دوره‌های دانشگاهی سنتی جای خود را به آموزش‌های مهارتی کوتاه‌مدت و تخصصی خواهند داد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این مسیر نقش کلیدی ایفا می‌کنند.

## آمارهای نگران‌کننده

آمارها نشان می‌دهد همچنان ۴۰ درصد دانشجویان و جمعیت فارغ‌التحصیل دانشگاهی در کشور با بیکاری روبه‌رو هستند. غلامحسین محمدی، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در نشست در مازندران تأکید کرد که «دانشگاه‌ها باید فوری به سمت برنامه‌های آموزشی عملی گام بردارند تا این مشکل را حل کنند. این آمار نه تنها آینده فردی هزاران نفر را تهدید می‌کند، بلکه اقتصاد کشور را با کمبود نیروی متخصص روبه‌رو می‌سازد و نشان دهنده نیاز عاجل به تغییر در سیستم آموزشی است.»

آخرین آمار بیکاری فارغ‌التحصیلان مربوط به تابستان ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در تابستان امسال به ۱۰.۶ درصد رسیده

که کاهش یک درصدی نسبت به زمان مشابه سال قبل داشته است. این در حالی است که این نرخ در میان زنان و ساکنان مناطق روستایی بالاتر از میانگین کل کشور است. سهم فارغ‌التحصیلان آموزش عالی از کل جمعیت بیکار کشور ۴۰.۳ درصد بوده که در میان زنان و در مناطق شهری بیشتر است. سهم این گروه از کل جمعیت شاغل نیز ۲۷ درصد است که روند کاهشی اندکی را نسبت به سال قبل تجربه کرده است.

اما کاهش یک درصدی نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان، یک شاخص آمار ی اغواکننده و تا حدودی دلگرمی‌بخش است، اما همه واقعیت را پوشش نمی‌دهد؛ نباید این کاهش آماری را دلیل بر موفقیت قطعی فارغ‌التحصیلان در یافتن شغل مناسب و اصابت دوره‌های مهارت‌آموزی آکادمیک به اهداف دانست. تصویر بزرگ‌تر نگران‌کننده است: ۴۰.۳ درصد کل بیکاران فارغ‌التحصیل‌اند و در میان شاغلان، سهم فارغ‌التحصیلان فقط ۲۷ درصد است.

از سوی دیگر، در تابستان امسال، نرخ مشارکت اقتصادی از ۴۰.۸ درصد به ۴۰.۴ درصد کاهش یافته است. این یعنی بخشی از جمعیت از بازار کار خارج شده‌اند. در حالی که افراد جوان تازه‌وارد به بازار کار و از نظر ماهوی فعال، تمایل چندانی برای ورود رسمی و فعالانه به بازار کار و مشارکت فعال اقتصادی نداشته‌اند؛ دلیل آن چیست: بازار کار و شاخص‌های آن از جمله دستمزدها، موقعیت‌های شغلی و امکانات فراهم در این بازار برای ارتقای جایگاه شغلی، چندان جذاب و مسحورکننده نیست؛ در مجموع جمع‌کنشی از جوانان کشور از جمله فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها نمی‌توانند یا نمی‌خواهند وارد این بازار کار کشور شوند و فرصت‌های شغلی رسمی موجود در این بازار را تصاحب کنند.

## نقش مهارت‌آموزی

اما سؤال کلیدی این گزارش این است: با در نظر گرفتن این تصویر کلی – که البته در چند وجه اصلاً امیدوارکننده نیست- مهارت‌آموزی موثر و منطبق با شعار جهانی امسال (با هم بسازیم، نسل نو، کار نو) تا چه اندازه می‌تواند در اشتغال‌آفرینی برای جوانان، به خصوص نسل جدیدی که تازه پا به سن مشارکت اقتصادی گذاشته، مؤثر باشد؟

«آمین خوشوقتی» کارشناس حقوق و روابط کار در پاسخ به این پرسش با تأکید بر اینکه «مهارت‌آموزی باید مؤثر باشد و از سوی کارشناسان ضرورت، اهمیت و جایگاه آن مشخص شده باشد» به آینه‌نو گفت: «یکی از مشکلات اصلی نظام آموزشی کشور – چه آموزش‌های آکادمیک دانشگاهی و چه دوره‌های کاربردی‌تر سازمان فنی و حرفه‌ای- بحرانی به نام «فقر مهارتی» یا «مهارت‌آموزی ناقص» است؛ فرد بر مبنای آموزشی که در یک جایگاه رسمی دیده یا دوره‌ای که در آن شرکت کرده، فکر می‌کند زیر و بم یک جایگاه شغلی را دریافته و قادر است فرصت شغلی مناسب را به چنگ بیاورد ولی وقتی با بازار کار واقعی و ویژگی‌های خاص آن روبه‌رو می‌شود تازه به این واقعیت پی می‌برد که کیفیت آموزشی که دیده در سطح پایینی بوده و نمی‌تواند نیازهای بازار کار را برآورده سازد.»

اوصمن تأکید بر تدوین صحیح دوره‌های مهارت‌آموزی منطقه با ویژگی‌های روز بازار کار کشور و مشاغل نوظهور و البته در نظر گرفتن مختصات عصر دیجیتال، تصریح کرد: «بخشی از آموزش‌های مهارتی، آموزش‌های پیشا شغلی یا همان دوره‌هایی‌ست که فرد قبل از ورود به بازار کار با هدف کسب موفقیت در یافتن شغل از سر می‌گذراند؛ کیفیت و کمیت این آموزش‌ها و کاربردی بودن آن‌ها اهمیت بسیار دارد؛ اما مهم‌تر از آن، دوره‌های مهارت‌آموزی حین کار یا آموزش ضمن خدمت است؛ در دنیای امروز، تکنولوژی‌ها خیلی زود قدیمی می‌شوند و برای اینکه واحدهای صنعتی بتوانند به روز بمانند و در دنیای رقابتی امروز حرفی برای گفتن داشته باشند باید برای کارگران خود دوره‌های آموزش ضمن کار برگزار کنند.»

به گفته خوشوقتی، ایده ایجاد مراکز فنی و حرفه‌ای جوار کارگاهی، یکی از ایده‌های موثر است که اگر جدی گرفته شود و با همکاری کارفرمایان لااقل در واحدهای متوسط و بزرگ در دستور کار قرار گیرد، به نتایج خوبی می‌رسد و تأثیر مثبت در بهبود معضلاتی مانند فقر مهارتی نیروی کار خواهد داشت.

در هر حال، داده‌های رسمی و اظهارات مقامات نشان می‌دهد که سیستم مهارت‌آموزی رسمی کشور نیازمند اصلاحات بسیار است و هر نوع آموزش مهارتی چه در ساختار دانشگاه‌ها و چه در مراکز فنی و حرفه‌ای را نمی‌توان آموزش مفید و مؤثر دانست.

## اشتغال

یادداشت  
O P I N I O N

محسن باقری

فعال کاریگری

## کارگران باید زیر چتر قانون باشند

در ساختار بازار کار ایران، واقعیتی عریان و انکارناپذیر پیش روی سیاست‌گذار قرار دارد؛ واقعیتی که نه تازه است و نه قابل چشم‌پوشی. بر اساس آمارهای رسمی، بیش از نیمی از نیروی کار کشور در بیرون از چارچوب‌های قانونی فعالیت می‌کنند؛ مشاغلی که نه از بیمه بهره‌مندند، نه قرارداد دارند و نه در محاسبات رسمی توسعه انسانی به رسمیت شناخته می‌شوند. این بخش پنهان و پر حجم، سال‌هاست همچون سایه‌ای کشیده بر پهنه اقتصاد ایران افتاده و پیامدهای آن در تمامی ابعاد دولت رفاه، بازار کار و پایداری مالی صندوق‌های بیمه‌ای آشکار است. هرچند در سال جاری، به گفته معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار، برخی شاخص‌های بازار کار نشانه‌هایی از بهبود را نشان داده‌اند، اما هسته سخت بحران همچنان پابرجاست: ۵۷ درصد بازار کار، غیررسمی است و این یعنی بخش غالب نیروی انسانی کشور از ابتدایی‌ترین حقوق قانونی محروم مانده است. این ارقام تنها صورت مسئله را روایت می‌کنند، اما عمق مسئله در تضاد میان حجم عظیم فعالیت اقتصادی و فقدان تکیه‌گاه حقوقی و نهادی آن نهفته است. گزارش‌های ملی و بین‌المللی نیز همین تصویر را تأیید می‌کنند؛ بانک جهانی سهم اشتغال غیررسمی در ایران را حدود ۶۰ درصد برآورد کرده و داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات، اقتصاد غیررسمی حضوری پررنگ و ساختاری دارد. مقایسه داده‌های سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اگرچه سهم اشتغال غیررسمی اندکی کاهش یافته، اما همچنان بیش از ۱۳ میلیون شاغل کشور در وضعیت غیررسمی فعالیت می‌کنند و این یعنی یک شکاف مزمن میان نیروی کار و چتر حمایتی قانون. اقتصاد غیررسمی تنها یک ناترازی اقتصادی نیست؛ یک گسست نهادی است. در این قلمرو، کارگران نه قرارداد دارند، نه بیمه، نه حداقل دستمزد مصوب و نه امنیت شغلی. آنان در نقطه‌ای ایستاده‌اند که هم از استثمار احتمالی مصون نیستند و هم از خدمات پایه‌ای تأمین اجتماعی بهره‌ای نمی‌برند. چهره دیگر این اقتصاد، غیبت کامل سازوکارهای رسمی است: نه مالیاتی در کار است، نه ثبت و نظارت، نه امکان برنامه‌ریزی. این خلأ قیقا همان نقطه‌ای است که به تضعیف صندوق‌های بیمه‌ای، کاهش منابع پایدار و تشدید بحران ناترازی می‌انجامد. راه برون‌رفت نیز روشن است: رسمی‌سازی. هر گامی که نیروی کار را از وضعیت غیررسمی به چهارچوب‌های قانونی سوق دهد، نه تنها از نیروی انسانی در برابر بی‌ثباتی شغلی حفاظت می‌کند، بلکه به شکل مستقیم منابع صندوق تأمین اجتماعی را تقویت می‌سازد. اگر تنها نیمی از مشاغل غیررسمی موجود در کشور، مشمول قانون شوند و کارگرانشان بیمه شوند، ورودی صندوق حداقل ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت؛ رشدی که می‌تواند به‌تنهایی بخش بزرگی از بحران نقدینگی و ناترازی را درمان کند. این ظرفیت، نه فرضی است و نه آرمانی، بلکه نتیجه جمع ساده اعدادی‌ست که سال‌ها در حاشیه مانده‌اند.